

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره اول - بهار ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۳

سبک‌شناسی کاربرد تخلص در غزلیات شهریار

(ص ۱۴۳ - ۱۶۲)

ناصر کاظم خانلو^۲ (نویسنده مسئول)، زیبا اسماعیلی^۳

تاریخ دریافت مقاله: زمستان ۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۹۷

چکیده

مهارت و استادی شهریار در غزل فارسی، همواره از جهات گوناگون مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است؛ از موسیقی و وزن گرفته تا ساختارهای بلاغی و ترکیبات و دقایق دستوری و... در این میان ابیات تخلص شهریار را نیز باید عرصه دیگری از هنرمندیهای او دانست. ابیات تخلص در دیوان شهریار از ارزشهای بلاغی، بیانی و مفهومی والایی برخوردارند. شمار بالای ابیات حاوی تخلص در دیوان او و هنرنمایی او در این ابیات از جنبه های گوناگون ادبی، معنایی و... نشان دهنده توجه آگاهانه و خاص وی به این موضوع بوده است. در این مقاله سعی شده است تمامی موضوعات مربوط به تخلص و ابیات تخلص در غزلیات شهریار - خصوصاً با تأکید بر سه ویژگی خاص بهترین تخلص - با شیوه ای تحلیلی و آماری مورد بررسی قرار گیرد تا شناخت کلی از سبک و چگونگی تخلص آوری در غزلیات شهریار به دست داده شود. موضوعاتی از قبیل: تعداد تخلص، انواع تخلص، غزلیات بدون تخلص، غزلیات دارای شبه تخلص، جایگاه تخلص در ابیات تخلص، زاویه دید در تخلص، آرایه های ساخته شده با تخلص، مضامین موجود در ابیات تخلص و....

کلمات کلیدی: شهریار، تخلص، سبک‌شناسی - بیت پایانی

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور (Pnu.khanloo@yahoo.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

(Esmaeili_ziba@yahoo.com)

۱- مقدمه

تخلص در لغت به معنای رهایی یافتن و رستن و رهایی جستن و در اصطلاح ادبی به معنای نام هنری و شعری شاعر است که در قرون نخستین شکل‌گیری ادب فارسی در قصیده و بندرت در قالبهای دیگر شعری به کار می‌رفته است. (تخلص، مندرج در دایره المعارف بزرگ اسلامی، پژوهنده: ص ۶۸۴) تخلص نامی است که شاعر برای خود مقرر میکند و بدان مشهور میشود و تخلص کردن را ذکر تخلص خود در شعر دانسته‌اند. (لغت نامه، دهخدا: ذیل تخلص) تخلص اسمی است که شاعر آنرا در شعر خود می‌آورد و آن اسم بر او دلالت میکند، وقتی این واژه وارد زبان فارسی شد شاعران ایرانی آنرا به معنای دقیق و ادبی به کار برده و به اصطلاح ادبی تبدیل کردند. "یکی از ویژگیهای اصیل شعر فارسی که علاوه بر تاثیر فراوان در حیات شعری شاعران ایران، در سنت شعری شاعران عرب نیز نفوذ کرده است مسئله تخلص شعری است که در شعر هیچ ملتی دیده نشده است. نخستین کاربرد آگاهانه تخلص در شعر فارسی از آن رودکی است. ولی پس از استقلال غزل از قصیده (همان تغزل قصاید) بیت تخلص به جایگاهی برای ذکر نام شاعر بدل شد و در پی رواج آن، هر یک از شاعران به جستجوی لقب، صفت و نامی زیبا و شاعرانه (اغلب متفاوت با نام اصلی) پرداختند تا جایی که تخلص کم‌کم به مفهومی دیگر - ذکر نام شاعرانه شاعر - به کار رفت. این سنت از قرن ششم به بعد آهسته آهسته جایگاه خود را در قالبهای شعر فارسی پیدا کرد تا اینکه در قرن هفتم به بعد تثبیت شد. (روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی) در نگاهی به تخلصها، شفیع کدکنی: ص ۵۳) بیشتر شاعران ادبیات فارسی برای تخلص اهمیت زیادی قائل بودند بگونه‌ای که حدود نود درصد آنان از عصر رودکی تا به امروز لقب شاعری داشته‌اند، چراکه تخلص معرف شاعر و در حکم امضای او محسوب می‌شده است. در واقع "تخلص غزل را به شاعر آن منتسب می‌سازد و شاعر غزل شناخته شده می‌ماند ولی تخلص علاوه بر انتساب شعر به شاعر کارکردهای مهمی نیز دارد، از جمله آنکه شاعر به خود پند میدهد تا دیگران پند بگیرند، از خود انتقاد میکند تا از دیگران انتقاد کرده باشد و دیگر آنکه تمایز میان شاعر و گوینده شعر (شخص شاعر و من شعری او) را برجسته میکند و تخلص به گونه مخاطبی نمایشی و فراتاریخی به جای مخاطب تاریخی قصیده مینشیند. ارزش تخلص و کاربرد آن در شعر حافظ، محمدی آسیاآبادی: ص ۶۲) اما مهمترین نکته در بررسی تخلص؛ چگونگی استفاده از تخلص است که میتواند از جهت سبک‌شناسی و نقد

ادبی مورد تحقیق قرار گیرد. در این مقاله سعی شده است تخلص شهریار از این نظر مورد بررسی قرار گیرد.

۲- بیان مساله و روش تحقیق

تخلص به معنای آوردن نام شاعری شاعر در شعر است و از قرن چهارم تا دوران معاصر در شعر فارسی به کار رفته است، "تخلص در غزل به معنای نامی است جز نام اصلی، کنیه و لقب شاعر که در پایان غزل می‌آید." (بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، واعظ کاشفی: ص ۱۳۴) منشأ تخلص در قرن چهارم تا ابتدای قرن نهم بیشتر نام شاعر و پس از آن مفاهیم معنوی است که معمولاً با اندیشه‌ها و افکار شاعر هماهنگی دارد. تخلص در قالبهای مختلف شعری به کار رفته است ولی جدی‌ترین و رسمی‌ترین جایگاه تخلص در شعر فارسی، غزل است و چون بیت پایانی موثرترین جایگاه ارائه‌پند و خبر و افکار درونی شاعر است؛ شاعران بیشترین تخلص را در بیت پایانی آورده‌اند.

شاعرانی که به تخلص (نام شعری) توجه داشته‌اند در استفاده از آن، از شیوه‌های جالب و متنوعی استفاده کرده‌اند که تا کنون این شیوه‌ها مورد تحقیق جدی واقع نشده است. در این تحقیق اشکال مختلف استفاده از تخلص شهریار، به عنوان یکی از شاعرانی که سبک خاصی در استفاده از تخلص خود داشته با روش کتابخانه‌ای و با رهیافتی توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش، دیوان غزلیات شهریار است.

۳- پیشینه تحقیق

در مورد تخلص تحقیق‌های مختلفی انجام شده است ولی درباره تخلص شهریار و نحوه استفاده از این تخلص تاکنون تحقیقی انجام نشده است. به طور کلی میتوان تحقیقات در مورد تخلص را به سه دسته کلی تقسیم بندی کرد. دسته اول تحقیقاتی که به بررسی ویژگیها و کارکردهای کلی تخلص پرداخته‌اند: روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی در نگاهی به تخلصها (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲) لقب و لقب‌گذاری در ایران (فرشید ورد، ۱۳۸۰: ۱۳۸۰) و ۱۳۸۱؛ راز تخلص در شعر فارسی (نیک منش، ۱۳۸۲)؛ گریزی به تخلص در شعر فارسی (نیک منش، ۱۳۸۵)؛ شیوه‌های تمایز شاعر از تخلص (احمدی پور اناری، ۱۳۹۴)؛ تخلص پنهان (موسی پرنیان، ۱۳۸۰)؛ سبک تخلص آوری در غزل و سیر آن (خبازه‌ها، ۱۳۹۵)؛ نگاهی نو به پدیده‌ای کهن، (تخلص و بهره‌وری از آن) (محسنی، ۱۳۸۴)؛ و دسته دوم تحقیقاتی که تخلص در اشعار یک شاعر را بررسی کرده‌اند. جایگاه تخلص در غزلیات مدحی حافظ (حیدری، ۱۳۹۲)؛ بررسی زبانشناختی چند صدایی در تخلصهای غزلهای حافظ (ابوالحسنی

چیمه، ۱۳۹۴)؛ خلاصی از تخلص دلیل تخلص نبودن خاموش در غزلیات مولانا(حسین پور، ۱۳۸۵)؛ نکته ای نو درباره شاعری کهن(تخلص پنهان سنایی)(چمن آرا، ۱۳۸۸)؛ بررسی تخلص در غزل ابتهاج(رشیدی آشجودی، ۱۳۹۰)؛ ارزش تخلص و کاربرد آن در شعر حافظ(محمدی آسیاآبادی، ۱۳۸۴)؛ و دسته سوم تحقیقاتی که به بررسی تخلص بین دو یا چند شاعر یا شاعران دو دوره زمانی مختلف یا شاعران دو اقلیم مختلف پرداخته اند: بررسی تخلص در غزلهای نظیره وار دوره بازگشت ادبی (احمدی پور، ملک ثابت و جلالی پنداری، ۱۳۸۹)؛ تخلص در شعر فارسی و عربی(خدایار، ۱۳۹۱)؛

۴- شهریار و انتخاب تخلص

بطور کلی دو دسته از عوامل بیرونی و درونی در انتخاب تخلص نقش داشته اند؛ عوامل بیرونی مانند: نام، لقب، حرف آغازین نام شاعر (در دوره ی معاصر) و... از عوامل درونی گزینش تخلص نیز می توان به موارد: حسب حال، اعتقادات دینی، شرایط روحی شاعران، اشاره کرد. نحوه ی انتخاب تخلص شهریار را می توان در دسته ی دوم جای داد، اگر چه گزینش تخلص از روی تفال، سابقه ای در تاریخ ادبیات ما ندارد و از این حیث، شهریار منحصر به فرد و ممتاز می گردد، ولی اعتقاد قلبی شهریار به حافظ و روحیات خاص ایشان، باعث انتخاب این تخلص شده است. لطف الله زاهدی، در خصوص چگونگی انتخاب تخلص شهریار می نویسد: " در اوایل شاعری، بهجت تخلص می کرد، بعدا دوباره با فال حافظ تخلص خواست که دو بار، بیت زیر شاهد از دیوان حافظ آمد و خواجه تخلص او را شهریار تعیین کرد: که چرخ این سکه دولت به نام شهریاران زد - روم به شهر خود و شهریار خود باشم " (مقدمه دیوان شهریار، به قلم آقای زاهدی: ص ۱۹)

البته انتخاب غیر مستقیم تخلص شهریار از سوی حافظ، بحث دیگری را به پیش می کشد که آن رسم " اعطای تخلص به شاعران" در ادوار مختلف بوده است. استاد شفیع کدکنی در این خصوص مینویسد: "گویا بعثت همین تراحم شاعران و تخلص بوده است که در قرون اخیر رسم شده بود که شاعران جوان، بعد از مدتی ممارست و کار، از یکی از بزرگان و استادان عصر تقاضای تخلص می کردند و آن استاد هم به مناسبت یا بی مناسبت تخلصی به آنها اعطا می کرد. آخرین نمونه اش همین تخلص "امید" برای مهدی اخوان ثالث است که در سن حدود بیست سالگی او، و در انجمن ادبی خراسان در سال ۱۳۲۶ مرحوم نصرت منشی باشی (۱۲۵۱-۱۳۳۴ ه. ش.) به او داده است و او هم طی یادداشتی به خط خودش، این کار را ثبت کرده و پذیرفته است. ولی درباره این که این آیین تخلص گرفتن از استاد از

کی رسم شده بوده است ، با اطمینان چیزی نمی‌توانم بگویم . همین قدر میدانم که در عصر صفوی امری بسیار رایج بوده است . (روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی (در نگاهی به تخلصها) شفیع کدکنی : صص ۵۵ و ۵۶) تخلص شهریار نیز از این نظر در این گروه جای می‌گیرد؛ اگرچه به اشاره و دستور یا سفارش مستقیم حافظ داده نشده ولی به هر حال ، حافظ در انتخاب این تخلص نقش داشته است. تفاوت دیگر نحوه تخلص‌گزینی شهریار با شاعران یادشده بالا در این است که تمامی این شاعران تخلص خود را از شاه، پیر یا بزرگی که زنده و در قید حیات بوده دریافت کرده‌اند ولی شهریار ، نه از روی سخنان مستقیم پیر خود ؛ بلکه از اشعار ممدوح همیشگی خود که سالهاست روی در نقاب خاک کشیده ؛ تخلص خود را انتخاب می‌کند.

امتیاز خاص دیگری که در تخلص شهریار وجود دارد، جدایی این تخلص از معنای غم و غصه است ، تخلصهایی با بار منفی و بار معنایی عرفانی در تاریخ ادبیات ایران فراوان هستند ؛ چنان است که گویی لازمه شاعری ، در این سرزمین و درین فرهنگ ، حتما و حتما در حزن و ماتم و محنت و عذاب و رنج و مسکنت و گدایی و فقر و آه و ناله و فغان و درد و امثال آن زندگی کردن بوده است. دکتر کدکنی ، پنج عامل: حمله تاتار و تیمور، ورود شعر فارسی به سرزمین هند ، استبداد و نظامهای مستبدانه حاکم بر ایران ، تصوف و عرفان ، محدودیت یا ممنوعیت روابط زن و مد در محیط اجتماعی را در غلبه عنصر رنج و غم بر تخلصهای شاعران ایران سهیم میدانند. تخلصهایی نظیر : مسکین ، مجنون، مجرم، شیدا، حقیر ،و... (همان ، ص ۶۴) استاد شهریار از این منظر نیز – به لطف پیر جوادانه خود، حافظ – با اکثریت قریب به اتفاق شاعران این سرزمین متفاوت است و تخلصی را برای خویش برگزیده که نه تنها دارای بار معنایی غم نیست بلکه شکوه و عظمت خاصی از آن هویدا است ؛ بطوریکه در ابیات تخلص همراه کلماتی که با سلطنت و حکومت وابستگی داشته باشند همراه می‌گردد، اگرچه هنرمندی شهریار، همین شکوه ظاهری تخلص خویش را با مضامین متضاد آن مانند غم و عشق و... پیوند داده است .

در ادب فارسی کم نیستند شاعرانی که از دو یا چند نام شاعرانه استفاده کرده‌اند و از هرکدام از تخلصهای خود به اقتضای شعر ؛ وزن و معنا بهره برده‌اند. انگیزه‌ها و دلایل زیادی در گزینش دوباره تخلص موثر بوده‌اند؛ عواملی مانند : دلایل سیاسی، تحول روحی، سفارش استاد، علل ادبی، علاقه و شیفتگی به شاعری دیگر و ... در بررسی غزلیات شهریار متوجه میشویم که تغییر یا استفاده از تخلصهای گوناگون توسط شهریار ، در چهار علت، از علل بالا

قابل بررسی و اثبات است، شهریار از این جهت نیز یک استثناست؛ بهجت را در دوره‌ای خاص از زندگی خود برگزیند و در دوره‌ای دیگر آنرا به شهریار تغییر میدهد؛ گاه بعثت گرفتاری در وزن عروضی تخلص خود را به شهیار یا شهر + یار تغییر میدهد؛ و گاه به جای ذکر تخلص خود، از تخلص حافظ، پیر و مراد خویش، بهره میبرد. تحول روحی او که در نتیجه شکست عشقی ایجاد شده، سفارش غیر مستقیم (تفال) حافظ و علاقه به او، گرفتاری که برخی اوزان عروضی برای او ایجاد می‌کرده، باعث شده به ترتیب از تخلصهای بهجت، شهریار، حافظ و شهیار (شهر + یار) استفاده کند.

افزون بر شاعران دو تخلصه، کم نبوده اند شاعرانی که دارای تخلص یکسانی بودند و همین امر مشکلاتی را برای خود آنها و محققین ادبی به وجود آورده بوده؛ مانند: اهلی (شیرازی - ترشیزی - آملی) / بیدل (نیشابوری - دهلوی - شیرازی - کرمانشاهی - عظیم آبادی) / عطار (همدانی - نیشابوری) و... نظامی عروضی مینویسد در زمان خود او دو شاعر با تخلص نظامی می‌زیسته‌اند (نظامی عروضی، ۱۳۸۱، ص ۸۴) اما تخلص شهریار در تمامی دوران تاریخ ادبیات ایران تک و منحصر به فرد باقی مانده است.

۴-۱- جایگاه تخلص در غزلیات شهریار

شهریار از مجموع ۵۰۲ مورد استفاده از تخلص در غزلیات خود به ترتیب بسامد از هفت شکل تخلص زیر - و به علل گوناگون - استفاده کرده است: شهریار: ۲۶۵ مورد / شهریارا: ۲۱۵ مورد / شهر + یار: ۹ مورد / شهریاران: ۵ مورد / شهیار: ۴ مورد / شهریار: ۳ مورد / بهجت: ۱ مورد

پراکندگی تخلص در ابیات تخلص غزلیات شهریار به شکل زیر است: در مصرع اول: ۴۲۹ مورد / در آغاز مصرع اول: ۲۷۵ مورد / در پایان مصرع اول: ۱۵۴ مورد / در مصرع دوم: ۷۳ مورد / در آغاز مصرع دوم: ۵۴ مورد / در پایان مصرع دوم: ۱۹ مورد

تعداد ۱۰۹ مورد از تخلصها در شکل شهریار، در نقش ندایی و به صورت دوم شخص مفرد به کار رفته است که با تعداد ۲۱۵ مورد شهریارا، مجموع تخلصها در نقش منادا و شکل دوم شخص مفرد به ۳۲۴ مورد میرسد. چنانکه مشاهده میشود عمدتاً تخلص در مصرع اول به کار رفته است. به کارگیری اندک تخلص در مصراع دوم نشانه آن است که شاعر از همان آغاز بیت پایانی در اندیشه کاربرد تخلص بوده است یا دست کم همپای اندیشیدن به پایان شعر، به نام شاعرانه خویش می‌اندیشیده است. بعلاوه چون بیشتر نقشهای تخلص شهریار، در نقش منادا هستند، تخلص در مصرع اول آنهم در ابتدای مصرع قرار گرفته است.

جدول ۱- پراکندگی تخلص در ابیات مختلف غزلیات شهریار

تعداد غزلیات شهریار	تخلص در بیت آخر	تخلص در بیت ماقبل آخر	تخلص در بیت دوم	تخلص در بیت اول	غزلیات بدون تخلص	غزلیات دارای شبه تخلص
۵۳۶ غزل	۴۶۹ غزل	۱۰ غزل	۱ مورد	۳ مورد	۳۲ غزل	۲۵ غزل

معمولاً تخلص در آخرین بیت غزل ذکر میشود اما گاه غزلسرایان به دلایلی از جمله مدح ، و آوردن تمثیل و.. تخلص را در بیت ماقبل آخر ذکر کرده اند. "این نکته که تقریباً تمام اشارات و مفاخرات شاعران به صفات شعرشان در بیت یا بیت‌های پایانی یعنی بیت تخلص آمده است خود نشان دیگری از خود آگاهی آنهاست. زیرا در بیت تخلص شاعر دیگر از تب و تاب سرودن رهایی یافته است و گویی از حوزه مغناطیسی شعر فاصله میگیرد و از بیرون به شعر خود مینگرد. آنگاه بیت تخلص را در وصف خود یا شعرش میسراید." (سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین پور: ص ۲۷۶) شهریار در غزلیات: یاد و استقبالی از صائب (ص ۷۲) / مستان الس (ص ۱۱۸) / جام جم (ص ۱۲۲) / قلم انداز (ص ۱۳۰) / ممه را لولو برد (ص ۱۶۷) / عید غدیر (ص ۱۸۳) / ایام قفس (ص ۲۳۶) / صبر و ظفر (ص ۲۴۰) / فتنه نوحاسته (ص ۳۷۹) / سبوح سبحانی (ص ۴۱۲) تخلص را در بیت ماقبل آخر آورده است.

تخلص شهریار در غزلیات "ساز حبیب" (ص ۹۹)؛ "شهریاری من" (ص ۱۲۷) و "عیدی عشاق" (ص ۱۹۵) هم در بیت نخست و هم در بیت پایانی آمده است. شهریار تنها در یک مورد در غزلی با عنوان: "ویلن تاجبخش" (ص ۱۵۱) علاوه بر بیت پایانی؛ تخلص خود - شهریار - را در بیت دوم نیز آورده است.

۴-۱-۱- دلایل ذکر تخلص در ابیات دیگر

"برای تقدیم تخلص در غزل سعدی و حافظ دلایل چندی ذکر شده است، از جمله تکمیل معنی بیتی که تخلص در آن قرار گرفته است، ذکر مراتب سخندانی، مدح ممدوح و علت دیگر آنکه شاید شاعر، غزلی پرداخته و در دیوان ثبت کرده، سپس بیتی در همان وزن و قافیه به خاطرش گذشته و در پایان همان غزل قرار داده است." (تحول شعر فارسی، مومن: صص ۵۹ - ۶۰)

(۱) مدح: مهمترین عاملی که تخلص شهریار را از بیت آخر به ماقبل آن کشانده است، مدح است. در این گونه غزلها، بعد از تخلص، گاهی یک بیت و گاهی دو بیت و ندرتا بیش از دو بیت در ذکر ممدوح و مدح و دعای او سروده شده است.

صدای سوز دل شهریار و ساز حبیب چه دولتی است به زندانیان خاک نصیب

(ساز حبیب ص ۹۹ بیت اول)

(۲) تمثیل :

آمده روزی به جهان شهریار حوصله کن روز دگر می رود
از سفر آمد شب عیدی و گفت غم دو سه روزی به سفر می رود

(ایام قفس - ص ۲۳۶ - دو بیت آخر)

از آنجا که این تمثیلهای با تخلص همراه است یا در بیت بعد از آن آمده است، مضمون آنها اغلب در وصف شاعر یا شعر اوست. ظاهراً شاعر خواسته است، بعد از آوردن نام شعری خود، مثالی نیز درباره خود و شعر خود ذکر کند؛ از این رو دامنه غزل، به اندازه یک بیت یا بیشتر، فراتر از تخلص رفته است.

(۳) تضمین و استقبال از شاعری دیگر :

شهریارا گر خزف بشکسته بازارت مرنج گوهری داری جدا از خلق و بازاری جدا
"همچو آن مجرم کزو هر ساعتی عضوی برند چرخ بازیگر کند هر دم ز من یاری جدا"

(یادی و استقبالی از صائب - ص ۷۳ - دو بیت آخر)

(۴) نا تمام ماندن غزل و تکمیل معنی بیتی که تخلص در آن قرار گرفته:

شهریارم به هر اسبی که بگردانم پای گرچه شمشیر مصاف و صف سربازم نیست
لیکن از فتنه عشق تو عنان می پیچم که دگر توسن طبع تتری تازم نیست

(قلم انداز - ص ۱۳۰ - دو بیت آخر)

۴-۲- نقشهای دستوری تخلص در غزلیات شهریار

تمامی شاعران تخلص خود را بیشتر در نقش منادایی به کار برده اند؛ چه با حروف ندا و چه بدون آن؛ شهریار تخلص خود را در نقشهای دیگری - به ترتیب بسامد - همچون مضاف الیهی، نهادی، مسندی، مفعولی، صفت و بدل به کار برده است. لازم به ذکر است مجموع کل تخلصهای مورد استفاده شهریار ۵۰۲ مورد است که ۱۹ مورد از آن شبه تخلص محسوب میشود که در این مقوله جای نمیگیرد. (شهر + یار : ۹ مورد / شهریار : ۴ مورد / شهریاری : ۳ مورد / شهریاران : ۲ مورد / بهجت : یک مورد)

جدول ۲- نقشهای دستوری تخلص در غزلیات شهریار

مجموع تخلصهای دارای نقش دستوری	در نقش منادا	در نقش مضاف الیه	در نقش نهلی	در نقش مستندی	در نقش مفعولی	در نقش بدل	در نقش
۴۸۳ مورد	۳۲۴ مورد	۵۷ مورد	۴۹ مورد	۳۰ مورد	۵ مورد	۲ مورد	۲ مورد

۴-۳- شیوه روایت و زاویه دید در ابیات تخلص شهریار

غزل سرایان برای یادکرد نام خود در بیت تخلص، از روشهای گوناگونی بهره بردند: روایت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص؛ سه شیوه‌ی روایت برای زاویه دید در تخلص محسوب می‌شوند.

شهریار در هر سه زاویه دید: اول شخص مفرد و جمع (متکلم)، دوم شخص مفرد (مخاطب) و سوم شخص مفرد (غایب) با تخلص خود سخن گفته است که در دو زاویه دید اخیر، تخلص شخص دیگری میشود و شهریار درباره‌ی او (غایب) یا با او (مخاطب) صحبت میکند.

الف) در شکل اول شخص مفرد: من شهریار عشقم (ابتکار من- ص ۳۵۲)
 ب) در شکل سوم شخص مفرد: شهریار از شبروان است (قوت روان- ص ۳۹۷)
 ج) در شکل دوم شخص مفرد با الف ندا: شهریارا (آشتی هم با ما قهر است- ص ۳۸۲)
 د) در شکل دوم شخص مفرد بدون الف ندا: شهریار (افسانه وفا- ص ۳۷۹)
 نکته مهم این است که شهریار- گذشته از استفاده از راوی اول شخص و دوم شخص در ابیات تخلص خود- از نوع روایت کم کاربرد اول شخص جمع، بخوبی استفاده کرده است: شهریاران (افسانه روزگار- ص ۲۶۷) ما شهریار (هدهد سبا- ص ۲۲۰)

جدول ۳- بررسی زاویه دید در ابیات تخلص شهریار: (از مجموع ۴۸۳ مورد تخلصهای دارای زاویه دید)

نوع زاویه دید	اول شخص مفرد	دوم شخص مفرد	سوم شخص مفرد	اول شخص جمع
میزان کاربرد	۳۴ مورد	۳۲۰ مورد	۱۲۶ مورد	۳ مورد

اما رایج‌ترین شیوه روایت، دوم شخص است، زیرا با کمک این شیوه میتوان به درونی‌ترین بخشهای وجودی قهرمان (مخاطب) نقب زد و از زبان حافظه و هوشیاری او و از احساسات و اندیشه‌های وی پرده برداشت، بعلاوه این نوع روایت بیش از انواع دیگر بر خواننده تاثیر میگذارد و میتواند بیشتر به اعماق روح و اندیشه وی نفوذ کند.

روایت دوم شخص بر پایه خطاب بنا نهاده شده است و مخاطب محور است نه راوی محور ؛ به عبارت دیگر در این شیوه ی روایت ، "چه کسی می‌شود" ، مهمتر از "چه کسی سخن می‌گوید" است. یعنی مخاطب رکن اصلی روایت دوم شخص است و راوی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. این روایت اغلب با زمان حال بیان میشود.

تو شهریار به معجز برآر مشعل ماه (قصه بوالفضول - ص ۲۱۴)
ضمیر خطاب بیشترین تاثیر را بر شنونده میگذارد زیرا به شکلی مستقیم به او اشاره میکند. این ضمیر به دلیل " لغزندگی ارجاعی " میتواند همواره میان مخاطب و شنونده در نوسان باشد ؛ ضمیر خطاب حتی اگر مرجع آن خود شاعر باشد و هیچ ارتباطی با خواننده نداشته باشد، باز هم به خواننده هشدار میدهد و توجه او را بیش از انواع دیگر روایت جلب میکند: «شهریارا بجز افشاندن جان در جانان» (میخانه عشق - ص ۱۶۵)

بررسی ابیات غزلیات شهریار نشان میدهد وی در ابیات تخلص خویش هنرمندی های بسیاری نشان داده که از جمله آنها کاربرد ماهرانه روایت دوم شخص است. شهریار در ۳۲۰ مورد تخلص (از مجموع ۵۰۲ مورد تخلص در غزلیات) تخلص خود را مخاطب ساخته است و در ۲۱۵ مورد تخلص خود را با الف منادا همراه کرده است. در ۲ غزل " هفت خوان عشق " (ص ۱۴۰) و " چه با آریا کنند " (ص ۲۲۲) نیز تخلص شهریار و در غزل " آذربایجان " (ص ۳۳۷) تخلص شهریار را با " هان " همراه کرده است.

ممکن است شاعر در مقطع غزل ، معشوق را مخاطب قرار دهد و در خطاب به معشوق ، درباره خود (نه با خود) سخن بگوید. بنابراین موارد و میزان تخلص مخاطب با این شیوه کم میگردد: شهریار آن نه که عهد تو فراموش کند (یار کهن - ص ۳۶۷)
گذشته از معشوق ؛ گاه مخاطبان دیگری هم در این جایگاه قرار گرفته اند ، مخاطبانی چون دل خود شاعر: کی بوده وفا یاد حریفان مکن ای دل (افسانه شب - ص ۱۹۵) گاه نیز روی سخن با مخاطبی نامعلوم و یا فرضی است و عام است :

به هوش باش و مزن خیمه از وطن بیرون که شهریار زد و خانمان به دوش آمد
(عروس بهار - ص ۲۰۱)

۴-۴- بررسی غزلهای بدون تخلص در دیوان شهریار

شاعران بنا به دلایلی چون نا تمام ماندن غزل ، و نیز به سبب آنکه نخواستند نام شعری خود را در کنار نام ممدوح بیاورند ، تخلص خود را ذکر نکرده اند ؛ و اغلب ضمیر " من " را جایگزین تخلص کرده اند. بررسی غزلهایی که در آنها تخلص ذکر نشده است، نشان میدهد

که این غزلها ویژگیهایی دارند که شاید بتوان در کنار این ویژگیها، توجیهی برای عدم ذکر تخلص در غزل جستجو کرد. این ویژگیها عبارتند از:

الف) وزن عروضی خاص: از بین ۳۲ غزل بدون تخلص در غزلیات شهریار، ۱۹ غزل دارای وزن "مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن" - که تخلص شهریار در آن جای نمیگیرد - (غزلهای: ریحانه یا کبوتر حرم: ص: ۷۸ / پروانه در آتش: ص: ۹۸ / حسرت عاشق: ص: ۱۰۱ / یک شب با قمر: ص: ۱۰۳ / کوزه شکر: ص: ۱۵۱ / افسانه شب: ص: ۱۹۵ / انتقام عشق: ص: ۲۷۸ / شاهد چنگی: ص: ۲۸۳ / وداع میکده: ص: ۳۰۸ / من و ماه: ص: ۳۲۶ / شاعر افسانه: ص: ۳۳۶ / دم بزن ای زن: ص: ۳۴۴ / گله خاموش: ص: ۳۵۳ / دریغ از بیداد: ص: ۳۵۴ / زشت و زیبا: ص: ۳۸۲ / چمن آرا: ص: ۳۹۶ / ماه هنر پیشه: ص: ۴۲۹ / ماه سفر کرده: ص: ۴۳۱ / یالایلا: ص: ۴۳۹) و یک غزل در وزن "مفعول مفاعیلن مفاعیلن" (زغال یا الماس: ص: ۳۳۰) هستند. البته این وزن در غزلیات دیگری نیز استفاده شده اما شهریار با شگردهای مختلفی که ما از آنها به عنوان شبه تخلص نام برده ایم، توانسته از خود به شکلی شبیه به تخلص خود سخن بگوید.

ب) ذکر ضمیر منفصل "من" یا ضمیر متصل "م" در بیت یا ابیات پایانی غزل: به نظر میرسد گاهی شاعران ضمیر "من" و "م" را جایگزین نام شعری خود ساخته اند. ۳۲ غزل از غزلهای شهریار تخلص ندارد. در ۱۵ غزل از این غزلها، ضمیر "من"، "م" (پروانه در آتش: ص: ۹۸ / انتقام عشق: ص: ۲۷۸ / شاهد چنگی: ص: ۲۸۳ / شبیخون غم: ص: ۲۹۹ / وداع میکده: ص: ۳۰۸ / ارشادم کن: ص: ۳۴۸ / طبیب نامحرم: ص: ۳۴۹ / گله خاموش: ص: ۳۵۳ / دریغ از بیداد: ص: ۳۵۴ / طوبی: ص: ۳۶۸ / سلام آشنا: ص: ۳۸۷ / چمن آرا: ص: ۳۹۶ / یا علی: ص: ۴۰۸ / ماه هنر پیشه: ص: ۴۲۹ / یالایلا: ص: ۴۳۹) و در ۶ غزل، مشابه آن یعنی "ما"، "یم" (ریحانه یا کبوتر حرم: ص: ۷۸ / من و ماه: ص: ۳۲۶ / زغال یا الماس: ص: ۳۳۰ / شاعر افسانه: ص: ۳۳۶ / زشت و زیبا: ص: ۳۸۲ / دل شکسته: ص: ۴۱۷) به جای تخلص آمده است.

قرینۀ دیگری که حدس ما را درباره جایگزینی ضمیر "من" یا "ما" به جای تخلص قوی تر میسازد، این است که بعضی از غزلها با ضمیر "من" یا "ما" آغاز شده و تمام یا بیشتر غزل به شرح احوال شاعر (صاحب ضمیر "من" یا "ما") اختصاص یافته است؛ اما تخلص در پایان غزل نیامده است. در غزل: ریحانه یا کبوتر حرم (ص: ۷۸) ضمیر "ما" در جایگاه ردیف در هر بیت تکرار شده است و در غزلیات: من و ماه (ص: ۳۲۶)؛ زغال و

الماس (ص ۳۳۰) و شاعر افسانه (ص ۳۳۶) ضمیر متصل " یم " در محل ردیف و قافیه قرار گرفته و طبیعی است که در هر بیت شاعر به شکل سوم شخص جمع از خود سخن گوید.

ج) مدح: چون بعضی از غزلهای فاقد تخلص، با مدح ممدوح پایان یافته اند، به نظر میرسد، غزلسرایان در این موارد نخواستند نام شعری خود را در کنار نام ممدوح بلند مرتبه بیاورند. این مورد درباره غزل شهریار به وضوح دیده میشود که مدح ممدوح - در اکثر موارد حافظ - را با دعا به پایان رسانده است، اما نامی از خود نیاورده است و ضمیر "من" یا "م" را جایگزین تخلص ساخته است، البته نظر به فراوانی این مورد در غزلیات شهریار، ما به این گونه غزلها نام شبه تخلص داده ایم. اما شهریار در تعدادی از غزلهایش نیز، تخلص خود را در کنار نام ممدوح آورده است. به نظر میرسد در این موارد، همپایگی شاعر با ممدوح مد نظر بوده است.

صرف نظر از حافظ، شهریار، صبا، قمر، حضرت محمد (ص)، امام علی (ع)، امام حسین (ع) و دیگر بزرگان در ابیات تخلص شهریار مورد مدح قرار گرفته اند ولی شهریار تنها در مدح امام علی (ع) و امام حسین (ع) از ذکر تخلص خود به احترام نام این امامان، چشم پوشی کرده است (یا علی - ص ۴۰۸) * (داغ حسین - ص ۳۶۵) ولی در غزلی دیگر با نام یاعلی ص ۴۰۷ تخلص خود را ذکر کرده است.

اما در هنگام مدح شهریار، قمر (یک مورد) و قوامی، این وزن عروضی است که او را از ذکر تخلص خود عاجز میسازد نه پاسداشت مقام ممدوح.

د) نا تمام ماندن غزل: تعدادی از غزلهای فاقد تخلص، در مقایسه با دیگر غزلیات شهریار؛ دارای ابیات کمتری هستند و گمان میرود این غزلها به پایان نرسیده و در نتیجه غزل بی تخلص مانده است. شهریار یک غزل پنج بیتی، یک غزل هشت بیتی و یک غزل نه بیتی بی تخلص دارد: شبیخون غم: ص: ۲۹۹ / طوبی: ص: ۳۶۸ / سلام آشنا: ص: ۳۸۷ /

۴-۵- غزلهای دارای دو تخلص

الف) هر دو بار تخلص خود:

۱) در بیت تخلص: (۷مورد) بلکه بیاریم بار را (ص ۸۰) / چشم انتظار (ص ۱۲۹) / داغ یاران (ص ۱۹۳) / جلوه جلال (ص ۲۱۹) / کنج ملال (ص ۳۴۱) / گدا پادشاه کن (ص ۳۴۹) / پریشان روزگاری (ص ۳۹۱)

۲) در ابیات مختلف: (۴ مورد) : ساز حبیب (ص ۹۹) / شهریاری من (ص ۱۲۸) / ویلن تاج بخش (ص ۱۵۱) / عیدی عشاق (ص ۱۹۵)

ب) یک تخلص ، تخلص شهریار و تخلص دوم ، تخلص شاعران دیگر:

۱) تخلص دوم تخلص حافظ است: ۶۰ مورد در ابیات تخلص، که قابل توجه است ؛ شهریار علاوه بر ابیات تخلص ، اشاره به حافظ را در ابیات ماقبل تخلص نیز انجام داده است که در جای دیگری به آن اشاره کرده ایم): مکتب حافظ (ص ۷۲) / نقشخوان ما (ص ۹۱) / خود پرستی و خدا پرستی (ص ۱۰۵) / مرغ زخمی (ص ۱۱۷) / مستان الست (ص ۱۱۸) / ره آورد شیراز (ص ۱۱۹) / دل سراپرده محبت اوست (ص ۱۲۱) / کارگاه آدمسازی (ص ۱۲۶) / با گل و لاله .. (ص ۱۴۱) / چشم مست (ص ۱۴۳) / بز سر گله (ص ۱۵۲) / قند پارسی (ص ۱۵۸) / قلعه عنقا (ص ۱۶۶) / پل صراط (ص ۱۷۴) / امی معرفت (ص ۱۷۹) / سکه دولت (ص ۱۸۱) / پروانه و آتش (ص ۱۸۲) / عید غدیر (ص ۱۸۳) / در ورود به تهران (ص ۱۸۴) / در یتیم (ص ۱۹۰) / یاران را چه شد (ص ۱۹۲) / داغ یاران (ص ۱۹۳) / کشتی نجات (ص ۱۹۹) / گوهر و گوهری (ص ۲۰۲) / جامی چند (ص ۲۰۹) / بارگاه حافظ (ص ۲۲۵) / وصال حافظ (ص ۲۲۹) / سخنگوی حافظ (ص ۲۳۲) / جلوه جاویدانی (ص ۲۳۲) / صبر و ظفر (ص ۲۴۰) / فال حافظ (ص ۲۴۷) / آن دارد یار (ص ۲۵۳) / نکویی کن و در آب انداز (ص ۲۵۹) / ای شیراز (ص ۲۶۰) / لطف اله (ص ۲۷۰) / صیرفی روزگار (ص ۲۷۲) / صلاي شهادت (ص ۲۷۴) / ظالم بلا (ص ۲۸۷) / عشق مادر زاد (ص ۲۹۱) / روح قدس (ص ۲۹۵) / تویی حافظ (ص ۳۰۲) / شهریار خود باشم (ص ۳۰۹) / خلوتی با خواجه (ص ۳۱۷) / یعلمهم الكتاب و الحکمه (ص ۳۳۳) / طوطی تصویر من حافظ بود (ص ۳۳۴) / غزل یا لغز (ص ۳۳۵) / چه خواهد بودن (ص ۳۴۳) / سایه و آفتاب (ص ۳۴۳) / ترکناز من (ص ۳۵۶) / میراث خواجه (ص ۳۶۴) / انتظار فرج (ص ۳۶۹) / داس مه نو (ص ۳۶۹) / دعای خواجه (ص ۳۷۳) / انسان عرشی (ص ۳۸۲) / مکتب طبیعت (ص ۳۹۹) / ارشاد خاتمی (ص ۴۱۰) / مقام انسانی (ص ۴۱۳) / دری از عدنی (ص ۴۲۱) / معمای حافظ (ص ۴۲۶) / چشمهٔ ابدیت (ص ۴۳۶) /

۲) تخلص دوم تخلص شهیار (۳ مورد: شهیار من ص ۲۵۳ / شهیار کو ص ۳۷۲ / یاد شهیار ص ۴۳۴) سایه (۴ مورد: هوای رشت ص ۱۹۹ / سایه ص ۳۰۸ / کاروان شوق ص ۳۲۲ / سایه و مشیری ص ۳۲۸) سعدی (۲ مورد: ظالم بلا ص ۲۸۷ / ندانمت که ... ص ۴۱۶) نیما (یک مورد : اخگر نهفته ص ۴۲۳) / در غزل شاعر افسانه به شعر " هذیان " نیما در بیت

تخلص اشاره کرده است. (عشقی (یک مورد) به یاد عشقی ص ۳۶۶ /مشیری (یک مورد : سایه و مشیری ص ۳۲۸) مفتون (یک مورد : کاروان شوق ص ۳۲۲)قوامی (یک مورد: پیر خرابات ص ۱۶۱) ظهیر فاریابی (یک مورد: ماه مکتب ص ۳۸۰)

۴-۶- ابیات تخلص تکراری

شهریار در دو غزل: صفای چشمه جان(ص ۳۱۴) و طایر جان (ص ۳۱۵) که تنها اندکی با هم متفاوت هستند، بیت تخلص را تکرار کرده است و در دو غزل: داغ یاران (ص ۱۹۳) و یایان را چه شد (ص ۱۱۲) مصرع "مهربانی کی سر آمد شهریاران را چه شد" را که تضمین مصرعی از حافظ است، در بیت تخلص تکرار کرده است.

۴-۷- تخلص والقباب دیگر شاعران در غزلیات شهریار

از این دیدگاه، غزلیات شهریار، به شکل فرهنگ تخلصی خاص و ناب درآمد که گمان می‌رود در میان دواوین شعرا منحصر به فرد باشد، از اولین شاعران مانند رودکی گرفته تا شاعران ناشناخته معاصر شهریار همچون غمام همدانی، در غزلیات شهریار ذکر میشوند. باز هم حافظ در رتبه نخست قرار دارد و شهریار با ۱۸۳ مورد یادکردی که - با اشکال گوناگون - از وی نشان داده، علاقه و اشتیاق باطنی خویش را به خواجه شیراز نشان می‌دهد. در مقام دوم سعدی قرار دارد، مقامهای بعدی نیز از آن سایه و شهیار هستند، به طور خلاصه میتوان نتیجه گیری کرد که ذکر و یادکرد شعرا در غزلیات شهریار، نشان دهنده میزان علاقه وی به آنان چه در میان گذشتگان و چه در بین معاصران بوده است.

۴-۷-۱- اشاره به تخلص و القاب حافظ در غزلیات شهریار(مجموع: ۱۸۳ مورد)

حافظ: ۷۷ مورد / خواجه: ۸۳ مورد / خواجه شیراز: ۹ مورد ص: ۱۰۲-۱۰۵-۱۸۲-۲۳۴-۳۹۶-۲۹۶-۲۹۵) / لسان غیب: ۴ مورد(ص: ۶۹-۱۵۲-۲۱۴-۳۷۴-۳۷۶) / نابغه شیرازی: ۲ مورد(ص: ۱۲۶) / خواجه قدسی مقام: ۱ مورد: ص: ۹۱ / حافظ شیراز: ۱ مورد: ص: ۱۵ / پادشاه ادب: ۱ مورد: ص: ۱۶۴ / مرغ گلشن شیراز: ۱ مورد: ص: ۴۱۲ / استاد غزل: ۱ مورد: ص: ۲۹۶ / پیر: ۱ مورد: ص: ۲۱۳ / پیر ما: ۱ مورد: ص: ۳۴۳ / طوطی شیراز: ۱ مورد: ص: ۲۳۸

۴-۷-۲- اشاره به تخلص و القاب دیگر شاعران در غزلیات شهریار

حافظ: ۱۸۳ مورد / سعدی: ۲۰ مورد، ۱۶ مورد: سعدی(ص: ۸۳-۸۵-۱۰۵-۱۱۵-۱۲۲-۴۳۶-۴۱۶-۴۰۰-۲۸۷-۲۷۹-۲۶۰-۲۴۲-۲۲۷-۲۱۸-۲۰۲) ، ۴ مورد: شیخ(ص: ۲۷۱-۳۸۰-۳۵۵-۲۹۵) / هوشنگ ابتهاج(سایه): ۱۹ مورد: (ص: ۸۳-۱۱۰-۱۶۳-۱۷۷-۱۹۹-۴۲۳-۴۲۲-۳۵۲-۳۲۲-۳۲۸-۳۰۸-۲۶۲-) / شهیار: ۱۲ مورد: (ص: ۲۵۳-۳۷۲-۴۳۴-

۴۴۱-) / لطف الله زاهدی: ۵ مورد: ۴ مورد: لطف الله (ص: ۱۱۰-۳۲۸-۱۹۳-۳۵۶) ، یک مورد : زاهدی (ص: ۱۶۳) / فرخ : ۴ مورد: ۳ مورد: فرخ (ص: ۱۰۴-۱۶۳) ۱ مورد: طوطی خراسان : (ص: ۲۶۲) / عشقی : ۴ مورد: (ص: ۳۶۵-۳۶۶) / نیما: ۴ مورد : ۳ مورد : نیما: (ص: ۳۳۵-۸۳) ، ۱ مورد: شاعر افسانه: (ص: ۳۳۵) / ایرج : ۳ مورد (ص: ۱۱۲-۱۹۷) / نظامی: ۳ مورد: (ص: ۱۲۲-۲۲۷-۴۳۶) / گلشن: ۳ مورد: (ص: ۱۰۴-۲۶۲) / وحید : ۳ مورد: (ص: ۳۲۵) / خیام: ۲ مورد: (ص: ۹۴-۱۵۲) / فردوسی: ۲ مورد: (ص: ۱۲۲-۲۲۷) / مولانا: ۲ مورد: (ص: ۳۱۷-۱۲۲) / رودکی: ۲ مورد: (ص: ۴۱۰-۴۱۱) / بوعلی سینا: ۲ مورد: (ص: ۲۲۷) / گلچین معانی: ۲ مورد: (ص: ۱۰۴-۲۶۲) / مشیری : ۲ مورد: (ص: ۳۲۲-۳۲۸) / نادرپور: ۲ مورد: (ص: ۱۷۷-۳۲۲) / امیری فیروز کوهی: ۲ مورد: (ص: ۱۹۲-۳۲۸) / یغما: ۲ مورد: (ص: ۳۸۰) / غیرت : ۲ مورد: (ص: ۳۲۵) / عطار: ۱ مورد: (ص: ۲۲۷) / صائب : ۱ مورد: (ص: ۷۲) / عماد خراسانی: ۱ مورد: (ص: ۷۹) / طوطی هند: ۱ مورد: (ص: ۸۴) / عارف: ۱ مورد: (ص: ۱۰۴) / رهی: ۱ مورد: (ص: ۱۰۴) / فروغ : ۱ مورد: (ص: ۱۰۴) / بهار: ۱ مورد: (ص: ۲۶۲) / نوید: ۱ مورد: (ص: ۲۶۲) / میر داماد: ۱ مورد: (ص: ۱۰۴) / شیخ بهایی: ۱ مورد: (ص: ۱۰۴) / سنایی: ۱ مورد: (ص: ۴۳۶) / مسعود سعد: ۱ مورد: (ص: ۴۳۶) / خاقانی: ۱ مورد: (ص: ۴۱۳) / غمام همدانی: ۱ مورد: (ص: ۲۰۴) / وصاف: ۱ مورد: (ص: ۱۰۷) / امیر نظام گروسی: ۱ مورد: (ص: ۹۱) / زهری: ۱ مورد: (ص: ۱۶۳) / قوامی: ۱ مورد: (ص: ۱۶۱) / یغمایی: ۱ مورد: (ص: ۳۶۳) / مفتون: ۱ مورد: (ص: ۳۲۲) / فروغی: ۱ مورد: (ص: ۳۲۵) / فریدون توللی: ۱ مورد: (ص: ۳۵۵) / / ظهیر فاریابی: ۱ مورد: (ص: ۳۸۰) / ابوالعلاء معری: ۱ مورد: (ص: ۳۶۳) / بابا کوهی: ۱ مورد: (ص: ۳۳۵) /

۴-۸- اشاره به شهرهای مختلف در ابیات تخلص

در ابیات تخلص میتوان درونیات و آمال نهانی شاعر را دریافت، به عبارت دیگر ابیات تخلص، توانایی خاصی در به تصویر کشیدن ذهنیات شاعر دارد. در بررسی روی ابیات تخلص شهریار و هر شاعر دیگری میتوان میزان علاقه وی به امور مختلف را تأیید کرد. با مطالعه و بررسی در بسامد کاربرد شهرها در ابیات تخلص غزلیات شهریار، علاقه او به زادگاهش، تبریز، اثبات میشود. در درجه دوم، علاقه او به شیراز، به دلیل عشق خاص او به خواجه شیراز؛ قابل اثبات است و در سومین مرحله؛ شهر تهران قرار دارد که روزگاری محل زندگی شهریار بوده است:

تبریز: ۱۲ مورد: (آتشکدهٔ پارس - ص ۸۸) / لطف تنوع (ص ۱۶۹) / حرمان هنر (ص ۱۷۱) / تقدیم به شب شعر شیراز (ص ۲۱۸) / دفتر دوران (ص ۲۵۴) / یک مشکل و دو آسان (ص ۲۵۸) / سینمای خزان (ص ۲۶۳) / افسانهٔ روزگار (ص ۲۶۸) / عید سلطانی (ص ۳۲۹) / آذربایجان (ص ۳۳۷) / وداعی با سواد تبریز (ص ۳۴۵) / سیه چشمان شیرازی (ص ۴۰۰) / شیراز: ۷ مورد: (مرغ زخمی - ص ۱۱۷) / ره آورد شیراز (ص ۱۱۸) / قلعه عنقا (ص ۱۶۶) / تقدیم به شب شعر شیراز (ص ۲۱۸) / افسانهٔ روزگار (ص ۲۶۸) / سیه چشمان شیرازی (ص ۴۰۰) / چشمه ابدیت (ص ۴۳۶) / ۳ / تهران: ۳ مورد: (دفتر دوران - ص ۲۵۴) / یک مشکل و دو آسان (ص ۲۵۸) / اخگر نهفته (ص ۴۲۳) / ۴ / خراسان: دو مورد: لطف تنوع (ص ۱۶۹) / طغرای امان (ص ۱۷۵) / ۵ / یوش: اخگر نهفته (ص ۴۲۳) / ۶ / همدان و ری: طغرای امان (ص ۱۷۵) /

۴-۹- صفتهای تخلص

از جمله مواردی که جای تامل دارد صفتهایی است که شاعر به دنبال تخلص خود می آورد و خود را با آن صفت بیشتر معرفی میکند؛ شهریار در ابتدا وجه ادبی را برای صفتهای تخلصهای خود در نظر گرفته است و خود را در شکل مفاخره سرآمد غزل گویان معاصر می داند. در وحله ی دوم صفتهایی که برای تخلص خود می آورد را با عشق و عرفان پیوند میزند:

الف) در معنای ادبی: شهریار غزل (ص ۲۷۵ و ۳۲۵ و ۳۹۱ و ۴۰۵) // شهریار شهر غزل (ص ۳۲۷) // شهریار ملک سخن (ص ۱۵۱ و ۳۳۴ و ۳۵۲) // شهریار سخن (ص ۱۱۲) // شهریار شعر ایران (ص ۳۱۳) // شهریار ملک قلوب و قلم (ص ۹۱) // شاه کشور ادب و شرم و عفت (ص ۴۲۳) // حافظ ثانی (ص ۱۱۹) // کودک دبستانی (در مقایسه با حافظ) (ص ۴۱۲) // گدای در خواجه (ص ۳۴۳) // طوطی شکر شکن (ص ۳۶۲) // طوطی شیرین سخن (ص ۴۲۴) // تک قند (ص ۱۴۹) // شهریار شیرینکار (ص ۱۲۰ و ۳۰۳ و ۳۳۴) // چراغ هدایت (ص ۱۲۴) // شاهد افلاک (ص ۴۰۵) // شهریار فقیر (ص ۳۱۴) // همسر ماه و ستاره ها (ص ۴۰۷) //

ب) در معنای عاشقانه: شهریار عشق (ص ۳۴۹ و ۳۵۲ و ۳۵۷) // شهریار کشور عشق (ص ۸۰ و ۳۷۸) // شهریار شهر عشق (ص ۳۴۳) // پادشاه ملک دل (ص ۳۸۷) // شهریار شیدایی (ص ۴۳۶) // سلطان عشق (ص ۳۱۳) // شهریار بیدل (ص ۱۵۹ و ۴۳۵)

// شهریار عاشق شیدا (ص ۴۰۶) // شهریار شکيبا (ص ۲۰۶) // شهریار پیر زمین گیر (ص ۴۰۸) //

چنانکه مشاهده میشود صفت‌های تخلص شهریار در معنای ادبی، عمدتاً بر فضای مفاخره و خودستایی و شیرین سخنی استوار هستند؛ بعلاوه در مواردی هم عدم ادعای همسری با حافظ، - که در واقع به نوعی اثبات این موضوع است - از این صفات دریافت میشود. از میان این صفات، تنها؛ شهریار فقیر؛ دارای بار معنایی و عاطفی والا و تناقض گونه ای است که آن را از بین صفات دیگر ممتاز تر کرده است. البته یافتن اینگونه صفات در بین صفات تاویلی هم امکان پذیر است که از آن صرف نظر به عمل آمد.

صفت‌هایی که استاد شهریار برای تخلص خود در معنای عاشقانه استفاده کرده است؛ تناسب تام و کاملی با فضای کل غزل دارند، به عنوان مثال "شهریار بیدل" که در دو غزل با عناوین: "گل پشت و رو ندارد" و "ای زن" به کار رفته است؛ مشاهده میشود که تمامی ابیات این دو غزل دارای معنایی عاشقانه هستند. از تمامی این صفات، علاوه بر دریافت معنای شکوه و عظمت؛ معانی غم و هجران نیز به ذهن وارد میشود.

لازم به ذکر است، استاد شهریار در دو مورد تخلص شهریار را برای افراد دیگری به کار برده است، یکی برای پسر عموی خود، محمود خان نور آذر که او را "شهریار در زنجیر" نامیده است (داغ نور آذر، ص ۳۶۱) و دیگری برای اقبال، که او را "شهریار موسیقی" نام نهاده است. (اقبال و موسیقی، ص ۴۰۵).

۴-۱۰- سخن از تخلص و گرفتاریهای آن در ابیات تخلص

شهریار در ۹ بیت از ابیات تخلص خود به گرفتاریها و مشکلات خاصی که در استفاده از تخلص خود داشته اشاره می کند که به نظر می رسد در تمامی تاریخ ادبیات ایران بی سابقه باشد؛ عمده ترین مشکلی که شهریار در استفاده از تخلص، در ابیات زیر بیان می کند مر بوط به وزن عروضی است، اگر چه شهریار با زیرکی خاصی به این عامل اصلی اشاره ای نمی کند و یاد از دوستان (شهیار) و مدح پیر فرزانه و استاد غزل؛ حافظ شیرازی را؛ انگیزه ی شرح این گله و گرفتاری معرفی می کند. نکته ی بسیار جالب در اینجا است که در تمامی این ابیات، ذکر و شرح مشکل در ابتدای بیت قرار گرفته اند، به عبارت دیگر، شهریار قبل از به کار بردن تخلص خود یا مدح ممدوح، به راهکاری برای رهایی از مخمصه ای که تخلص خویش برایش ایجاد کرده بود می اندیشیده است.

شهیار تخلص کنم اینجا و ... (عشق و معرفت - ص ۱۲۰) / ز نام بردن خود نیز شرمم آید (چشم انتظار - ص ۱۲۹) / نیازی نیست با شعر تخلص خواجه خود فرمود: (سکه دولت - ص ۱۸۱) / شهیار بخوانم خود تلخیص و تخلص را (کی شعر تر انگیزد... ص ۱۸۵) / از خود نبرم نام که (در کوی حیرت - ص ۱۸۷) / به خویش دهم نام شهیار و - (شهیار و دهقان - ص ۳۰۰) / شهیار تخلص کنم اینجا (راهی به جنت - ص ۳۰۵) / به شهیاری ملک سخن برندم نام (بوی پیراهن - ص ۳۳۴) / شهیار تخلص کن (شیدایی - ص ۴۴۱)

۵- نتیجه گیری

نحوه انتخاب تخلص شهیار (از روی تفال) دوری از معنای غم و اندوه، تغییر تخلص و ایجاد راهکارهایی برای رهایی از مشکل ذکر تخلص، از ویژگیهای منحصر به فرد تخلص شهیار است. شهیار در غزلیات خود به تر تیب بسامد از هفت تخلص: شهیار، شهیارا، شهر+یار، شهریاران، شهیار، شهیاری و بهجت- و به علل گوناگون - استفاده کرده است. تخلص شهیار عمدتاً در آغاز مصرع اول بیت تخلص و در نقش ندایی به کار رفته است. بنابراین بیشترین نقش دستوری تخلص شهیار، نقش منادایی است.

شهیار تخلص خود را علاوه بر بیت پایانی، به علل مختلف، در بیت ماقبل آخر، بیت مطلع و بیت دوم نیز آورده است. عمده ترین علت عدم ذکر تخلص در غزلیات شهیار، وزن عروضی (مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن) است که خود شهیار در ابیاتی به این مشکل و گرفتاری تخلص خود اشاره کرده است. شهیار تخلص خود را در سه زاویه دید اول شخص مفرد و جمع، دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد به کار برده است.

مضامین عشق، مفاخره و مدح بیشترین بسامد را در ابیات تخلص غزلیات شهیار دارند. از بین ممدوحین شهیار در ابیات تخلص، حافظ در مقام اول قرار دارد. تخلص حافظ و اشاره به وی نیز، از بین تخلص دیگر شاعران، بیشترین بسامد را داراست.

منابع و مأخذ

- ۱- بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، واعظ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۶۹) تصحیح جلال الدین کزازی، تهران، نشر مرکز
- صفا، ذبیح الله؛ (۱۳۷۱) ج ۲، چ ۱۵، تهران، فردوس - تاریخ ادبیات در ایران،
- ۲- تحول شعر فارسی، موتمن، زین العابدین؛ (۱۳۵۲) تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دوم
- ۳- چهار مقاله؛ نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر بن علی، (۱۳۸۱) به تصحیح دکتر محمد معین، انتشارات زوار؛ چاپ دوم
- ۴- دیوان شهریار (دو جلدی)، شهریار، محمد حسین (۱۳۷۷) موسسه انتشارات نگاه، چاپ بیستم
- ۵- سنت و نوآوری در شعر معاصر، امین پور، قیصر (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات علمی فرهنگی
- ۶- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی؛ جلال الدین؛ (۱۳۸۲) تهران؛ موسسه نشر هما، چاپ بیست و یکم
- ۷- لغت نامه، دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران
- ۸- نای هفت بند، باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۹) تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ پنجم
- ۹- ارزش تخلص و کاربرد آن در شعر حافظ، محمدی آسیاآبادی، علی (۱۳۸۴) مجله پژوهشهای ادبی، دوره ۲، ش ۸، ص ۵۱-۷۴
- ۱۰- بررسی تخلص در غزل ابتهاج؛ رشیدی آشجردی، مرتضی (۱۳۹۰) پژوهشهای نقد ادبی و سبک‌شناسی، دوره ۱؛ ش ۳؛ ص ۴۷-۶۱
- ۱۱- بررسی تخلص در غزلهای نظیره وار دوره بازگشت ادبی، احمدی پور اناری، زهره؛ مهدی ملک ثابت، یدالله جلالی پنداری (۱۳۸۹)، مجله فنون ادبی، دوره ۲، ش ۱؛ ص ۳۱-۴۸
- ۱۲- بررسی زبانشناختی چند صدایی در تخلصهای غزلهای حافظ، ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۳۹۴)، جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۵؛ ص ۱-۲۴

- ۱۳- تخلص، مندرج در دایره المعارف بزرگ اسلامی، پژوهنده، لیلا (۱۳۸۵)، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۸۲-۶۸۵
- ۱۴- تخلص پنهان، پرنیان، موسی (۱۳۸۰)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴۶-۴۷؛ ش ۱۵۸-۱۵۹؛ ص ۳۵۵-۳۶۵
- ۱۵- تخلص در شعر فارسی و عربی، خدایار، ابراهیم؛ یحیی عبید صالح (۱۳۹۱) مجله فنون ادبی، دوره ۴، ش ۱، ص ۶۱-۷۸
- ۱۶- جایگاه تخلص در غزلیات مدحی حافظ، حیدری، علی؛ مهرنوش دژم (۱۳۹۲)، مجله بوستان ادب (شعر پژوهی) دوره ۵، ش ۴، ص ۶۷-۹۰
- ۱۷- خلاصی از تخلص دلیل تخلص نبودن خاموش در غزلیات مولانا، حسین پور، علی (۱۳۸۵) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان، ش ۴۷؛ ص ۹۹-۱۱۵
- ۱۸- راز تخلص در شعر فارسی، نیک منش، مهدی (۱۳۸۲) مجله رشد آموزش ادب فارسی، ش ۶۵
- ۱۹- روان‌شناسی اجتماعی شعر فارسی (در نگاهی به تخلصها)؛ شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۲) مجله بخارا، س ۶، ش ۲، ص ۴۶-۶۶
- ۲۰- سبک تخلص آوری در غزل و سیر آن، خبازها، رضا (۱۳۹۵)، مجله ادب فارسی، سال ۶، ش ۲،
- ۲۱- شیوه‌های تمایز شاعر از تخلص، احمدی پور اناری، زهره (۱۳۹۴)، پژوهشنامه ادب غنایی، دوره ۱۳، ش ۲۴، ص ۹-۲۴
- ۲۲- لقب و لقب‌گذاری در ایران، فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۱) مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- ۲۳- گریزی به تخلص در شعر فارسی، نیک منش، مهدی (۱۳۸۵)، مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان، ش ۱۵
- ۲۴- نکته‌ای نو درباره شاعری کهن (تخلص پنهان سنایی)، سهراب نژاد، علی حسن / چمن آرا، بهروز (۱۳۸۸)؛ جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق)، ش ۱۶۵، ص ۲۷-۴۶
- ۲۵- نگاهی نو به پدیده‌ای کهن، (تخلص و بهره‌وری از آن) محسنی، احمد (۱۳۸۴)، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، دوره ۱، ش ۱؛ ص ۱۰۲-۱۱۳